



University of Tehran Press

Jurisprudential-Legal Review of the Age of Criminal Development in the Islamic Penal Code of 1392 in Iran

Ali Bahraminezhad^{1*} | Faezeh Jafarian² | Alireza Mohammad Beyki³

1. Corresponding Author, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Jurisprudence and Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: ali.bahrami_nejad_maquniye@iauctb.ac.ir

2. Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Jurisprudence and Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: Faeze.ja72@gmail.com

3. Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Jurisprudence and Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: a.khortab@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:

Received: 29 August 2024

Revised: 13 January 2025

Accepted: 21 April 2025

Published online 10 December 2025

Keywords:

Age of criminal development,
Age of puberty,
Islamic Penal Code 1392,
Intellectual development alternative
punishments.

ABSTRACT

This study critically examines the jurisprudential and legal underpinnings of the age of criminal maturity (rushd) within the framework of Iran's 2013 Islamic Penal Code (IPC). Adopting a descriptive-analytical methodology and leveraging both library and archival resources, it investigates the convergence of Islamic tenets and legislative principles in the determination of criminal responsibility for minors. Historically, in alignment with the integration of Shari'a precepts into statutory law, the Iranian legislature predicated criminal liability on the age of Shari'a majority (bulugh). This was legislatively defined as nine full lunar years for females and fifteen full lunar years for males in post-Revolutionary enactments. However, it is crucial to recognize that this legal age of majority does not inherently equate to criminal development (rushd), as the latter necessitates demonstrable cognitive and intellectual maturation. Acknowledging this fundamental distinction is paramount to obviating the unjust prosecution and punitive measures against individuals who are legally deemed mature yet cognitively undeveloped. The 2013 IPC marked a significant jurisprudential shift, instituting a transformative criminal policy for offenders under the age of eighteen, characterized by the application of mitigated sanctions distinct from those imposed on adults. Most notably, this legislative reform stipulated mental maturity and full intellectual capacity (rushd) as an indispensable prerequisite for the imposition of Qisas (retribution) and Hudud (fixed divine punishments). This constitutes a pivotal legislative innovation, underscoring a more nuanced and humanistic approach to juvenile criminal accountability within the Iranian legal system.

Cite this article: Bahraminezhad, A.; Jafarian, F. & Mohammad Beyki, A. (2026). Jurisprudential-Legal Review of the Age of Criminal Development in the Islamic Penal Code of 1392 in Iran. *Islamic Jurisprudential Researches*, 21, (4), 347-363.

<http://doi.org/10.22059/jorr.2025.380892.1009507>



© Authors retain the copyright and full publishing rights.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2025.380892.1009507>

Publisher: University of Tehran Press.



دانشگاه تهران

نشریه پژوهش‌های فقهی

سایت نشریه: <https://jorr.ut.ac.ir/>

شاپا الکترونیکی: ۶۱۹۵-۲۴۲۳

بررسی فقهی- حقوقی تشخیص سن رشد کیفری در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در ایران

علی بهرامی نژاد^{۱*} | فائزه جعفریان^۲ | علی رضا محمدیکی^۳

۱. نویسنده مسئول، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده فقه و حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه:

ali.bahrami_nejad_maquuniye@iauctb.ac.ir

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده فقه و حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: Faeze.ja72@gmail.com

۳. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده فقه و حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: a.khortab@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۱۹

کلیدواژه:

رشد عقلی،

سن بلوغ،

سن رشد کیفری،

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲،

مجازات جایگزین.

استناد: بهرامی نژاد، علی؛ جعفریان، فائزه و محمدیکی، علی رضا (۱۴۰۴). بررسی فقهی- حقوقی تشخیص سن رشد کیفری در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در

ایران. پژوهش‌های فقهی ۲۱ (۴)، ص ۳۴۷-۳۶۳.

<http://doi.org/10.22059/jorr.2025.380892.1009507>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2025.380892.1009507>



مقدمه

برای تعیین ملاک در مورد مشخص کردن حد تحمل مجازات و مسئولیت کیفری اول باید تعیین کنیم که چه مشخصاتی در انسان به وجود می‌آید که به عنوان فردی بالغ قابل بازخواست است و اگر مرتکب جرایمی برخلاف قوانین و مقررات شود هم مسبب تحمل مجازات است هم می‌توان با در نظر گرفتن شرایط موجود در وی به طور معقول انتظار داشت که مجازات در وی مؤثر است و سبب اصلاح کردن فرد می‌شود (رهامی، ۱۳۸۱، ۹۱). تغییراتی که در حقوق کودکان در حیطه بین‌المللی در دهه‌های اخیر انجام شده و سن را معیاری برای حکم مجازات افراد و کودکان قرار داده‌اند موضوعی مهم است. روند بین‌المللی در این حیطه افزایش حداقل سن مسئولیت کیفری و کیفیت دادگاه‌های ویژه اطفال در سنین ۱۳ تا ۱۸ سال و مشخص کردن ۱۸ سالگی برای سن بزرگ‌سالی را نشان می‌دهد (روحانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۱).

از مسائل مهم حقوق کیفری ایران و سایر کشورها سن رشد و مسئولیت کیفری است که همواره به وسیله صاحب‌نظران نقد می‌شود و مورد اعتراض قرار می‌گیرد و همچنین میان فقه‌های مذاهب اسلامی اختلاف نظر وجود دارد. چون بیشتر دخترها و پسرهایی که به بلوغ جنسی و شرعی می‌رسند از نظر عقلی و فکری رشد لازم را در مورد مسائل کیفری پیدا نمی‌کنند؛ مثل اینکه در ماده ۹ ق.م.ا. ایران سن مسئولیت کیفری را ماده سن بلوغ شرعی در نظر گرفتند که این مطلب برگرفته از فقه‌های شیعه در ۱۲۱۰ ق.م. است که در آن برای پسران ۱۵ سال سن تمام قمری است و برای دختران ۹ سال تمام قمری. بر اساس مطالب مطرح‌شده سؤال تحقیق این است که آیا تطبیق دادن سن مسئولیت کیفری با سن بلوغ شرعی مسئله صحیحی است؟ سن بلوغ به صورت تدریجی است یا دفعی؟ تغییر و تدریجی بودن سن مسوولیت کیفری متناسب با رشد عقلی و قوه تمییز است زیرا دختران به ندرت در ۹ سالگی به سن رشد می‌رسند. مثلاً بر اساس قوانین یک دختر ۱۳ سال یا پسر ۱۵ سال می‌تواند با توجه به قوانین، ازدواج کند. اما در مورد مسائل تصرف در امور مالی یا اقامه دعوی برای استیفای حق خود از جمله مهریه یا دادخواست طلاق یا صدور اظهارنامه یا ... تا ۱۸ سالگی از نظر قانونی و عدم رشد موانع دارد و در دفاتر اسناد رسمی سن ۱۸ سال معیار تنظیم اسناد و انجام دادن معاملات لحاظ می‌شود. همچنین دختر یا پسر نمی‌توانند تا ۱۸ سالگی گواهی‌نامه رانندگی بگیرند. زیرا این استدلال وجود دارد که هنوز از نظر رشد کامل نیستند و تعادل بین قوای عقلی و عاطفی و جسمی ندارند. ولی اگر این افراد در ۹ سالگی برای دختر یا ۱۵ سالگی برای پسر خلاف‌های کیفری انجام دهند مجازات خواهند شد. زیرا قانون انتظار دارد که مانند یک فرد بزرگ‌سال بیندیشند و رفتار خود را کنترل کنند.

آمارهای بین‌المللی بیان می‌کنند که با وجود توسعه فناوری و پیشرفت اوضاع اجتماعی ارتکاب افعال مجرمانه مانند قاچاق مواد مخدر، اعمال ضرب و جرح، قتل، جرایم جنسی، سرقت‌های مسلحانه، و ... در کودکان و نوجوانان افزایش یافته و مصیبت بزرگی دامن‌گیر نظام اجتماعی است. همچنین در ایران آمارهای قابل توجهی از گسترش یافتن جرایم و جنایت اطفال منتشر شده که بیانگر قرار گرفتن کشور در معرض مخاطرات اجتماعی است و عمده این مشکلات به دلیل نبود امنیت اقتصادی و اجتماعی برای کودکان و زنان است (محمدیکی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۸ - ۲۹).

پرسش مهم این است که آیا از نظر فقهی این اشخاص در حیطه امور کیفری مانند امور مدنی تحت حمایت حقوقی هستند و مسئولیت کیفری ندارند؟ با توجه به مطالب فوق، در این پژوهش به بررسی چالش‌های تشخیص سن رشد کیفری از دیدگاه فقه و نظام حقوق ایران می‌پردازیم.

تعریف مسئولیت کیفری

واژه مسئولیت در لغت به معنی بازخواست شدن و مسئولیت کیفری به معنی بازخواست کردن مجرم است و از نظر حقوقی مسئولیت به معنی ملزم شدن مجرم برای تحمل کردن نتایج قانونی است. منظور از نتایج قانونی، مجازات و اقدامات تأمینی است (زراعت، ۱۳۸۵: ۲۲۱). اساس تعریف مسئولیت کیفری در این پژوهش بدین ترتیب است: «قابلیت انتساب دادن فعل یا ترک کردن فعل مجرمانه به شخص یا اشخاصی که با انجام دادن جرم، برابر شرایط قانون، واجد شرایط مجازات مقرر باشند. (نوربها، ۱۳۸۷: ۲۱۰).

اهلیت کیفری و اهلیت جنایی

اجرای کیفری را بر اساس مسئولیت کیفری می شود تشخیص داد. اهلیت جنایی و کیفری شرایطی را تعریف می کند که فرد، علاوه بر عامل مادی، از نظر عامل روانی خلاف را انجام داده باشد و شرایط بیرونی خلاف، کاملاً از طرف او محقق شود. اهلیت جنایی مرتبه ای از رشد عقلانی است که فرد قادر به تشخیص دادن ماهیت افعال خود و نتیجه طبیعی آن باشد (محمدی، ۱۳۸۳: ۲۴۳). اهلیت کیفری شرایط ویژه ای است که هر زمان در شخص ایجاد شود می توان او را مجازات کرد. این شرایط با ارکان تخلف متفاوت است. زیرا در مورد جرم نیست. اما مربوط به مرتکب کننده تخلف است. اهلیت کیفری جنبه بالقوه مسئولیت کیفری و تحمل کردن مجازات جنبه بالفعل آن است. ولی اهلیت جنایی به معنای میزان اهمیت ارتکاب تخلف است؛ یعنی وضعیتی که در شخص باشد تا بشود او را مرتکب تخلف بیان کرد (زراعت، ۱۳۸۵: ۲۲۵). اهلیت جنایی درجه ای از رشد عقلانی است که در آن فرد توانایی تشخیص دادن ماهیت و آثار افعال خود را دارد.

تعیین سن مسئولیت کیفری صغیر در قانون جزای ایران

در نظام حقوق کیفری ایران، سن مسئولیت کیفری اطفال همیشه اصلاحاتی داشته است و قوانین با گذشت زمان تحولات بسیاری را قبل و پس از انقلاب گذرانده اند. مطالعه سیر تاریخی باعث می شود پژوهش بتواند به چگونگی تصویب قانون در دیدگاه تاریخ نگاهی بیندازد و محاسن و معایب قانون را ارزیابی کند.

قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴

قانون مجازات عمومی به صورت ۲۸۰ ماده در سال ۱۳۰۴ تأیید شد و در آن شرایطی برای مسئولیت کیفری اطفال تعیین شد که با توجه به قانون جزای سال ۱۸۱۰ فرانسه بود. تعیین مسئولیت کیفری اطفال خلافکار بر اساس مواد ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ آورده شد. بر طبق ماده ۳۴ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، تخلفات اطفال طبق سن آنان به سه گروه سنی تقسیم شد. گروه اول اطفال غیر ممیز نابالغ بودند که سن آنان کمتر از ۱۲ سال بود. این گروه از هر نوع مسئولیت کیفری مبرا بیان شدند. اما مراجع مکلف به اخذ التزام برای تأدیب و مواظبت در حسن اخلاق با تسلیم کردن کودک بزهکار به والدین بودند. نتیجه این ماده این طور بیان می شود که طفل زیر ۱۲ سال دارای قوه تمیز و رشد نیست و دلیل علیه کودک آن را واجد شرایط مسئولیت کیفری نمی کند.

گروه دوم اطفال ممیز نابالغی هستند که سن آنان بیش از ۱۲ سال و کمتر از ۱۵ سال است. بر اساس ماده ۳۵ قانون مجازات عمومی، برای اطفال ممیز نابالغ مرتکب شونده با تخلفی از نوع جُنحه یا جنایت، که سن آن ها ۱۵ سال نباشد ولی بالای ۱۲ سال باشد، حکم ۱۰ تا ۱۵ ضربه شلاق صادر می شود و بیشتر از ۱۰ شلاق نباید زده شود. شرایط مسئولیت کیفری سن بلوغ برای این ماده در نظر گرفته نمی شود. اما در این ماده شرایط قوه تمیز و تشخیص که مطرح شده بود سبب حکم شلاق برای طفل غیر ممیز نابالغ می شد.

گروه سوم اطفالی بودند که بالای ۱۵ سال بودند ولی ۱۸ سال نداشتند. بر اساس ماده ۳۶ قانون مذکور، اگر افراد فوق مرتکب جنایت شوند مجازات آنان حبس در دارالتأدیب است که بیشتر از ۵ سال نبود.

مجازات تخلفی از نوع خلاف جنحه به صورت کمتر از یک دوم حداقل و بیشتر از یک دوم حداکثر حکم خلاف آن جنحه در نظر گرفته نمی شد. تعیین کردن دارالتأدیب سبب ایجاد مشکلات زیادی برای آن دولت شد که این مسئله سبب شد در سال ۱۳۳۸ قانونی برای تشکیل دادن دادگاه اطفال بزهکار تأیید شود.

قانون تشکیل دادگاه اطفال مصوب ۱۳۳۸

قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ اولین تجربه از قانون گذاری ایران بود. این قانون اشکالات بسیاری داشت. با مرور زمان و پس از تحولات اجتماعی و صنعتی کشور و خطر افزایش یافتن بزهکاری به ویژه در کودکان و نوجوانان در شیوه های جدید قانون گذاری تجدیدنظر شد. پس از آن در آذرماه ۱۳۳۸ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار تصویب شد. اما چون در این قانون در ماده ۱ مطرح

شده بود: «... در نقاطی که کانون اصلاح و تربیت تعیین شده در فصل چهارم این قانون ایجاد نشده بر اساس قانون مجازات عمومی تعیین حکم می‌شوند» این قانون به دلیل فقدان کانون اصلاح و تربیت در شهرها بدون اجرا ماند (نعمی، ۱۳۸۲: ۵).

سن مسئولیت کیفری اطفال از نظر قانون اصلاحی مجازات عمومی ۱۳۵۲

قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۵۲ تغییری در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ بود. در بند ۲ ماده ۳۳ این قانون سن بلوغ ۱۸ سال تمام در مورد خلاف مسئولیت کیفری تعیین شد که این ماده به دلیل اثرپذیری از روان‌شناسی بود.

تعیین سن مسئولیت کیفری اطفال پس از انقلاب اسلامی

بعد از پیروزی انقلاب، بر اساس مطالب فقهی اسلام تغییرات مهمی در مورد مسائل حقوقی و قضایی ایران انجام شد.

مقررات آیین دادرسی کیفری

بر اساس ماده ۱۹۴ آورده‌شده در مقررات آیین دادرسی کیفری که در سال ۱۳۶۱ تأیید شد اما این قانون قوانین شکلی قانون تعیین شدن دادگاه اطفال بزهکار مصوب‌شده در سال ۱۳۳۸ را نسخ کرد.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۶۱

در این قانون، معیار سن بلوغ شرعی با ضابطه تمیز جایگزین شد. نظام مسئولیت کیفری تدریجی برکنار شد و مسئولیت کیفری جهشی مصوب شد. در این قانون طبقه‌بندی اطفال انجام نشد و همچنین گروه‌هایی که به صورت فقهی عنوان شدند در مورد اطفال در مباحث ممیز و غیر ممیز و مراهق دقت نکردند در ماده ۲۶ این قانون، بر اساس ضابطه بلوغ شرعی، سن مسئولیت کیفری بدون تعیین کردن سن خاصی عنوان شده است. این ماده مطرح کرده است اطفال که مرتکب خلافی شدند مسئولیت کیفری در موضوع آن خلاف ندارند و حکم آنان با واگذاری به خانواده اطفال و کانون اصلاح و تربیت اطفال است.

تبصره ۱. در این تبصره برای مسئله طفل کسی است که سن بلوغ شرعی ندارد. درباره اینکه چه کسی طفل در نظر گرفته می‌شود نظرات بسیاری وجود دارد. در تاریخ ۱۳۶۱/۱۰/۰۸ ماده ۱۲۱۰ ق.م. به طور آزمایشی تغییر کرد. اماره رشد ۱۸ سال مندرج‌شده در آن را نسخ کردند و سن بلوغ را به طور تبصره الحاقی جایگزین کردند.

رویه قضایی در مورد ربط دادن تبصره ماده ۱۲۱۰ ق.م. به ماده ۲۶ قانون در موضوع حکم دادن برای آن‌ها مبهم بود. بنابراین برای این ابهام از حکم شورای عالی قضایی استفاده شد:

با توجه به تبصره ۱ ماده ۲۶ قانون درباره حکم خلاف طفل سن بلوغ ندارد و با توجه به تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ ق.م. سن بلوغ در پسران ۱۵ سال و در دختران ۹ سال در نظر گرفته شده است. مسئله وحدت رویه شماره ۶ در مقام رفع اختلاف بین قضات در مورد صلاحیت دادگاه کیفری ۱ و ۲ در بررسی کردن به جرایم اطفال و نوجوانان در تاریخ ۱۳۶۴/۰۲/۲۳ در دیوان عالی کشور تأیید شد. زیرا قضات در مورد خلاف طفل نابالغ با توجه به ماده ۲۶ ق.م.ا. حکم دادگاه‌های کیفری ۲ را با صلاحیت انحصاری در نظر می‌گرفتند. هیئت وحدت رویه دیوان عالی کشور بر اساس این رأی عنوان کرد: «درباره جرایم ارتكابی به وسیله اطفال مقررات شکلی درباره بزرگسالان در دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ رعایت شود». این رأی مهر تأییدی از طرف سیاست جنایی قضایی ایران در مورد طومار طولانی دادرسی در مورد نوجوانان ایران بود. سن مسئولیت کیفری کودکان در ماده ۱۴۷ قانون مجازات ۹۲ همچنان حاکم است که طبق بلوغ جنسی است (سوادکوهی، ۱۳۸۸: ۲۴۶ - ۲۵۴).

قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰

درباره سن مسئولیت کیفری اطفال، ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی ۷۰ با تکرار کردن مفاد ماده ۲۶ قانون مجازات ۶۱ همان مسیر پیشین را ادامه داده است. این قانون بر سن ۹ سال قمری برای دختران و سن ۱۵ سال قمری برای پسران به عنوان سن مسئولیت کیفری تأکید می‌کند. اما این نظام با اینکه در تخلفات مستوجب اعمال قصاص یا دیات یا حکم تعزیرات اجرا می‌شود ولی در حدود سن بلوغ برای انجام حکم حد کافی نیست و با رسیدن به بلوغ تأیید عقل و اختیار و آگاه بودن در مورد حکم و

موضوع به طور شرط بیان شده است. مواد ۶۴ ق.م. (زنا)، ۱۱۱ ق.م. (لواط)، ۱۳۰ ق.م. (مساحقه)، ۱۳۶ ق.م. (قوادی)، ۱۴۶ ق.م.ا. (قذف)، ۱۶۶ ق.م. (شراب)، بند الف ۱۸۹ ق.م. (محاربه)، ۱۹۸ ق.م. (سرقت) ناظر به این مدعا هستند. اما باید توجه کرد منظور از عاقل در این شرایط حالتی در برابر جنون است و جنون به هر درجه رافع مسئولیت کیفری می‌شود. در ادامه به نقد کردن ماده ۴۹ می‌پردازیم.

ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰

ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی درباره مسئولیت کیفری اطفال آورده شده است: «اگر اطفال مرتکب جرم شوند، مسئولیت کیفری ندارند و تربیت آنان، با توجه به حکم دادگاه، بر عهده خانواده اطفال و عندالافتضا کانون اصلاح و تربیت اطفال است». تبصره ۲ در ماده فوق میزان و مصلحت را برای شرایط اطفال بزهکار ضروری بیان کرده است. قانون‌گذار در این ماده اطفال را از مسئولیت کیفری مبرا و فاقد اهلیت کیفری می‌داند و بر اساس این ماده نباید هیچ مجازاتی را برای طفل حکم داد و تنبیه بدنی تأکیدی بر این ادعا است. در این شرایط، قاضی صالح به تعیین کردن میزان و مصلحت طفل طبق نوع جرم و شخصیت و سن اوست. بنابراین، ماده ۴۹ قانون مجازات اطفال هر مجازاتی را برای اطفال چه ممیز و چه غیر ممیز مجاز نمی‌داند. اما قانون‌گذار در برخی از شرایط برای اطفال مجازات تعزیری مشخص کرده است.

مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ در قانون مجازات اسلامی به روشنی به حکم تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق طفل حکم داده است. پرسش مهم این است که چنانچه طفل مبرا از مسئولیت کیفری است چرا قانون‌گذار با وضع کردن مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ تعارض واضحی با ماده ۴۹ در قانون مجازات اسلامی ایجاد کرده بود؟ شاید بتوان این‌گونه پاسخ داد که مواد فوق هیچ نوع تعارضی با هم ندارند. چون با توجه به ماده ۱۶ در قانون مجازات اسلامی تعزیر این‌طور تعریف شده است: تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد بر این اساس حکم تعزیر و میزان شلاق در مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ در قانون مجازات اسلامی جنبه تأدیبی دارند، نه عقوبتی. به بیان دیگر با وجود ماده ۱۶ هماهنگی میان مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۴۹ قانون مجازات سال ۱۳۷۶ ایجاد می‌شود. در پاسخ به این شرایط این‌طور بیان می‌شود که ماده ۱۲، در قانون مذکور، تعزیرات را یکی از اقسام پنج‌گانه مجازات می‌داند و ایشکال فوق را از بین نمی‌برد. چون طبق ماده ۱۲ تعزیر یک قسم از مجازات است. بنابراین، تعارض واضح مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ با ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی ۷۰ همواره برقرار است.

ادله فقهی ناظر بر رشد در مسئولیت کیفری

رشد جزایی از نگاه فقها

یکی از مباحث بسیار مهم در حقوق کیفری اسلام تأثیر رشد جزایی در مسئولیت کیفری است و همان‌طور که بیان شد تنها برخی از فقها در ادوار مختلف بلوغ و رشد جزایی را هم‌زمان برای پذیرش مسئولیت نام کیفری شرط می‌دانند. علامه حلی در تحریر الاحکام در بیان شرایط قصاص به شرط رشد تصریح و عنوان کرده که خلاف قتل‌های طفل چه عمد چه خطا به صورت خطای محض در نظر گرفته شود و عاقله باید دیه آن را بپردازد و این حکم تا زمانی است که سن خلافکارمذکر ۱۵ سال و سن خلافکار مؤنث به ۹ سال برسد و آن زمان درباره هر دو مورد شرط رشد برای حکم آن‌ها در نظر گرفته می‌شود. یعنی بالغ و رشید باشند (علامه حلی، تحریر الاحکام، ج ۲: ۲۴۲). همچنین در مورد موضوع حکم حد لواط اجرای حد قتل بر فاعل و مفعول را با شرط اینکه بلوغ و رشد آن‌ها بررسی شود مطرح کردند (علامه حلی، تحریر الاحکام، ج ۲: ۲۲۴). فاضل هندی شرط حکم حد بر فاعل و مفعول لواط را مسئله تعیین رشد در کنار بررسی مسئله بلوغ خلافکار در نظر گرفته است (فاضل هندی، کشف اللثام، ج ۲: ۴۰۷). برخی از فقهای معاصر نیز شرط مسئله رشد کیفری را برای حکم مسئولیت کیفری در حدود و قصاص عنوان کردند؛ مثل مکارم شیرازی عنوان کرده که در حکم دادن مسائل کیفری علاوه بر بلوغ شرعی باید رشد کافی نیز در نظر گرفته شود،

دلیل نقلی

از نظر دین اسلام ملاک مسئولیت انسان و توجه تکالیف و خطابات شارع مقدس عقل اوست که منظور از آن قوه تشخیص و تمیز انسان است و به وسیله آن حقایق اشیا و واقعیت امور و حسن و قبح اعمال و آنچه به خیر و صلاح است درک می شود؛ همچنان که در قرآن مجید این اصطلاح و مشتقات آن در ۴۹ مورد استفاده شده که در آن عقل بشر ملاک فهم حقایق عالم و فهم احکام است و ائمه معصومین^(ع) نیز عنوان کردند که معیار امر و نهی الهی بررسی عقل انسان است که با آن می توان حسن و قبح و حقایق امور را تعیین کرد.

محمد بن مسلم از امام محمد باقر^(ع) گفته که در این روایت محبوب ترین مخلوق خداوند عقل مطرح شده که طرف اصلی خطاب شدن در مورد مسائل شارع و امر و نهی الهی و ملاک مجازات کردن و پاداش گرفتن نیز هست (کلینی، الاصول من الکافی، ج ۱: ۱۰). همچنین روایتی که هشام بن حکم از امام موسی بن جعفر^(ع) آورده عنوان کرده که خداوند بر مردم دو حجت داده است؛ حجت آشکار و ظاهر که همان انبیا و رسولان و ائمه^(ع) هستند و حجت باطنی که عقل است (کلینی، الاصول من الکافی، ج ۱: ۱۶). اعظم فقه های شیعه، مانند محقق حلی و شهیدین، در مورد شرایط حکم دادن قصاص با داشتن شرط کمال عقل را عنوان کردند و مطرح کردند که رشد عقل در سنی هایی مانند ۱۰ تا ۱۲ سالگی در بسیاری انجام نمی شود. اما معیار تعیین کردن احکام شرعی مسائلی است که جنبه غالبی و نوعی دارند نه مواردی که نادر و شاذ است. پس روشن شد که برای تکلیف شرعی و خطاب اوامر و نواهی الهی باید عقل کاملاً رشد کرده باشد و قوه تشخیص و تمیز انسان بررسی شود (رهامی، ۱۳۸۱: ۱۹۱ - ۱۹۲).

آیات قرآن کریم

قرآن کریم در آیه ۶ سوره نساء آورده: «وابتلو الیتامی اذا بلغوا النکاح فان أنستم منهم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم»؛ یتیمان را در هنگام بلوغ بسنجید پس اگر رشد آن ها برایتان ثابت شد اموالشان را به ایشان بدهید. «فان کان الذی علیہ الحق سفیهاً أو ضعیفاً أولاً یستطیع ان یمل هو فلیمل ولیه بالعدل»؛ اگر کسی حقی برای اوست سفیه باشد یا ضعیف و مدرکی ندارد پس ولی او باید به عدل مدرک ارائه بدهد.

احادیث و روایات

علامه حلی در تحریر الاحکام در بیان شرایط قصاص به شرط رشد آورده که قتل های طفل خطای به صورت عمد یا به صورت خطا با موضوع خطای محض در نظر گرفته شود و باید عاقله دیه آن را بدهد. تا زمانی که سن خلافکار مذکر ۱۵ سال و خلافکار مؤنث به ۹ سال برسد می توان شرط رشد را در برای هر دو مورد تأیید کرد (علامه حلی، تحریر الاحکام، ج ۲: ۲۴۲). موسوی بجنوردی نیز در مجازات های کیفری علاوه بر بلوغ رسیدن به سن رشد را هم لازم و این رشد را برای دختر و پسر همان رسیدن به سن ۱۸ سال می داند.

ادله عقلی

آنچه در اجرای قوانین و مقررات ضرورت دارد رسیدن به بلوغ فکری و عقلی است و صرف رسیدن به بلوغ جنسی و جسمی کافی نیست و اگر در قانون هم سن بلوغ جنسی در نظر گرفته شده به خاطر رسیدن به رشد عقلی است و این موضوع یعنی رسیدن به بلوغ جنسی به صورت بلوغ عقلی در نظر گرفته نمی شود. پس تا وقتی که خلافکار به بلوغ فکری نرسیده یا اینکه حداقل شخص به سنی که اماره غالبی بر حکم بلوغ فکری است نرسیده باشد فاقد اهلیت جزایی است و تحمیل مجازات بر او عقلاً قبیح است و عملی که عقلاً قبیح است شرعاً نیز قبیح خواهد بود. زیرا لازمه مسئولیت جزایی و تحمیل مجازات وجود قوه درک و تشخیص و تمیز است. بدین جهت توجه به رشد جزایی ضروری خواهد بود (رهامی، ۱۳۸۱: ۱۹۳).

تنقیح مناط و تعیین اولویت

تعیین کردن اولویت زمانی انجام می شود که دو شرط در نظر گرفته شود:

۱. حکم در منطوق و مفهوم به صورت یک نوع مطرح شود.

۲. معیار تعیین حکم در مفهوم اقوی از معیار حکم در منطوق مطرح شود.

در مورد مسئله معتبر بودن این نوع از تعیین نیز بین فقیهان اختلاف نظر است. بیشتر فقها آن را معتبر مطرح کردند. اما بعضی آن را معتبر عنوان نکردند (جناتی، ۱۳۶۸). ولی نظر مظفر این است که قیاس اولویت حجت است. زیرا از نوع ظواهر است. پس حجیت آن‌ها از باب حجیت ظواهر است (مظفر، اصول/فقه، ج ۲: ۱۷۸). برخی از نویسندگان در استدلال به این دلیل می‌گویند با توجه به اینکه امور کیفری اهمیت زیادی دارند آیا ممکن است قانون‌گذار در امور مدنی عدم رشد را در مسائل تصرفات مالی به صورت مانع در نظر بگیرد و بنابراین سفیه را تأیید کند، اما در مسائل کیفری که در مورد دماء و نفوس اند و اهمیت بیشتری دارند شخص که رشد آن کامل نشده حمایت نشود؟ آیا معیاری که سبب تأیید شدن از نظر حقوقی در مورد سفیه در مسائل مدنی شده را نمی‌توان برای شخص که رشد آن کامل نشده در موارد کیفری در مراتب قوی‌تر یافت؟ در مورد مسئله تعیین اولویت در موضوع رشد می‌توان به مطالب فقهی توجه کرد. مثلاً شهید ثانی^(۶) در مورد حکم قصاص آورده از جمله شرایط قصاص رشد عقل است. چون خلافتکاری که صبی و مجنون است برای آن عبادات بدنی الزام نیست توسط اولی حکم بدنی برای آن‌ها داده نمی‌شود (شهید ثانی، مسالک/الفهام، ج ۵: ۱۶۱). بنابراین، وقتی عقوبات بدنی از عبادات اولی است پس در مورد مسائل معاملات و امور مدنی نیز اولی است. چون موضوع دماء و نفوس از اهمیت ویژه‌ای در حقوق اسلام برخوردارند. بنابراین با در نظر گرفتن این موضوع که موارد کیفری از نظر حفظ کردن و رعایت مصلحت سفیه اهمیت زیادی دارند، و بنابراین به طریق اولی نیازمند حمایت است. پس نباید مورد مجازات قرار گیرد؛ مگر آنکه رشد او اثبات شود (هاشمی، ۱۳۸۳: ۲۸۰ - ۲۸۱).

سیره عقلا

سیره عقلا یعنی استمرار عادت مردم و تبانی عمل آن‌ها بر انجام دادن یا ترک چیزی (مظفر، اصول/فقه، ج ۲: ۱۵۳) که بر مدار مصلحت‌سنجی و رعایت مصالح و مفاسد شکل می‌گیرد و در آن عقلا صرف‌نظر از نژاد و مذهب و شرایط فرهنگی و اقلیمی و ... در دستیابی به مقاصد خود به گفتار و اخبار کسانی که مورد وثوق و اطمینان هستند اعتماد می‌کنند. پس این سیره زاده طبیعت عقلایی است و محصول بیان شارع نیست. بنابراین می‌توان احتمال ردع شارع را درباره آن داد. پس باید اثبات کنیم که ردعی از آن صورت نگرفته است. یعنی، در واقع نیازمند کشف از رضای شارع هستیم (اصغری، ۱۳۸۴: ۹). در مسئله احراز رشد جزایی در مسئولیت کیفری وقتی ده‌ها مجلس قانون‌گذاری کشورهای مختلف را بررسی کنیم می‌بینیم این کشورها به‌رغم اینکه از حیث نظام سیاسی، دین، نژاد، آداب، آیین، رسوم، فرهنگ، و شرایط اقلیمی با یک‌دیگر متفاوت‌اند و بدون اینکه عقلای این کشورها در مجالس قانون‌گذاری با مراجع قضایی با یک‌دیگر هماهنگی قبلی داشته باشند در کشور ما نیز این موضوع تأییدشده از طرف نظام تقنینی و قضایی و مورد تأیید حقوقدانان واقع شده بود. بنابراین می‌توان عنوان کرد توجه کردن به مسئله رشد از نظر جزایی یا تعیین کردن سن خاصی مانند ۱۸ سالگی برای حکم رشد جزایی با نظر عقلای عالم است (رهامی، ۱۳۸۱: ۱۹۴).

تفکیک دوره‌های زمانی در قانون مجازات ۱۳۹۲

سن مسئولیت کیفری در فصل دوم از بخش چهارم کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و در مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ بیان شد. مطابق مواد یادشده افراد که مسئولیت کیفری ندارند بالغ نیستند. سن بلوغ در دختران ۹ سال و پسران ۱۵ سال تمام قمری است. درباره افراد نابالغ، با توجه به مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی در نظر گرفته می‌شود. به بیانی دیگر با تعیین لایحه مجازات اسلامی این مقررات با برخی تغییرات مطرح شد و به صورت مواد ۸۸ تا ۹۵ در فصل ۱۰ از بخش ۲ در کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با موضوع حکم و اجراهای تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان تعیین شد. و تغییری در این مساله صورت نگرفت. ولی دو تغییر در این مسئله انجام شده است؛ به این صورت که دو نظام متفاوت برای برای حکم تعزیرات تعیین شده است و در مورد مسئله خلاف‌های تعزیری درباره نوع جرم و سن خلافکار حکم‌های متفاوتی در نظر گرفته شده است.

جرایم تعزیری

تعیین مسئولیت کیفری اطفال آورده شده در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ برای جنسیت متفاوتی نیاورده است و بر اساس نظام تدریجی آورده شده و برای سنین مختلف اطفال حکم‌های متفاوتی آورده شده است که این گروه‌ها را بررسی می‌کنیم.

گروه سنی ۹ تا ۱۲ سال

ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ عنوان کرده است که اگر اطفال ۹ تا ۱۵ ساله مرتکب جرایم تعزیری شوند مورد توجه یکی از تصمیمات مندرج در بندهای «الف» تا «ب» آن ماده قرار می‌گیرند. اما توضیح آنکه به سبب بند «ب» ماده ۲۹۲ جنایات انجام شده به وسیله اطفال، مثل مسائل قبل، از موارد خلاف‌های خطای کامل در نظر گرفته می‌شوند و مسئولیت اجرای دیه این خلاف نیز بر اساس مواد فصل ۴ کتاب دیات قانون مجازات اسلامی (در مواد ۴۶۲ به بعد) با عاقله است. آنجا که بر اساس تبصره ۱ این ماده شرایط آورده شده در بندهای «ت» و «ث» فقط در مورد اطفال و نوجوانان ۱۲ سال حکم داده می‌شود حکم‌های اجرایی درباره گروه سنی ۹ تا ۱۲ سال فقط درباره شرایط ذکر شده بندهای «الف» تا «پ» این ماده است. از لحاظ ماهوی حکم‌ها به صورت حکم‌های ترمیمی- تربیتی هستند (جمشیدی، ۱۳۸۲: ۷۳). از نظر فنی می‌توان گفت کودکی که ۹ سال سن ندارد نمی‌تواند مورد توجه هیچ‌گونه حکمی در عدالت کیفری، حتی حکم‌های اصلاحی و مراقبتی، باشد و نمی‌توان این اطفال را محاکمه کرد. اما در این مورد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ شرایطش با قانون مجازات اسلامی سابق (۱۳۷۰) یکی نیست. چون بر اساس ماده ۴۹ آن قانون اطفال در انجام دادن خلاف مسئولیت کیفری ندارند. ولی دادگاه اصلاح آن‌ها را به خانواده اطفال یا به کانون اصلاح و تربیت اطفال می‌داد. بنابراین در قانون مجازات تأیید شده در سال ۱۳۷۰ هیچ‌گونه حداقل سنی برای محاکمه در دادگاه کیفری عنوان نشده بود. امکان شرایط تنبیه کردن بدنی اطفال خلافکار نیز بدون در نظر گرفتن سن آن‌ها آورده شده بود و در تبصره ۲ ماده ۱۹ قانون ذکر شده زمانی که در مورد اصلاح تربیت طفل تنبیه کردن بدنی وی حکم شود این امکان برای دادگاه مطرح شده بود. ولی قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مورد اطفال زیر ۹ سال هیچ نوع حکمی حتی اصلاحی و تربیتی نیاورده و اطفال نباید محاکمه کیفری شوند.

گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال

در مورد سنین ۱۲ تا ۱۵ سال شرایط بیشتری گذاشته است و با تغییراتی که در بند قبلی داده است. کودک یا نوجوان با ۱۲ تا ۱۵ سال سن بر اساس تبصره ۱ در ماده ۸۸ که خلاف تعزیری مرتکب شده ممکن است نظرات آورده شده در بندهای ت و ث برای مدت سه ماه تا یک سال با توجه به بند «ث» به کانون اصلاح و تربیت فرستاده می‌شود که نظر تنبیهی بیشتری دارد. زیر ماده این تبصره شرایط بیشتری برای این سنین آورده است و گفته اگر این اطفال و نوجوانان خلاف تعزیری درجه ۱ تا ۵ انجام دهند باید تا مدت ۳ ماه تا یک سال در کانون تربیت و اصلاح فرستاده می‌شود و فقط این حکم از طرف قاضی صادر می‌شود. قانون‌گذار در ماده ۸۸ عنوان «اطفال و نوجوانان» میان سنین ۹ تا ۱۵ سال را به کار برده است. در این ماده تا قبل از تأیید شدن این قانون و در لایحه پیشنهادی به مجلس فقط عنوان (اطفال) به کار برده می‌شد. پس در لایحه پیشنهاد شده در ماده ۸۸ فقط منظور پسران بودند. چون دختری که ۹ تا ۱۵ سال داشته باشد در اماره بلوغ ذکر شده در ماده ۱۴۷ در نظر گرفته نمی‌شود و جزء اطفال نیست. اما در ماده ۸۸ که توسط مجلس تأیید شد عناوین بیشتری از «اطفال و نوجوانان» شامل دختران و پسران می‌شود این تغییر مهم بخشی از اشکالات عنوان شده درباره قوانین سابق از لحاظ تبعیض آورده شده بین دختران و پسران درباره مسئولیت کیفری را رفع کرده است (صبوری پور، ۱۳۹۲: ۱۷۹).

تعیین گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال

دختران و پسرانی که ۱۵ سال دارند ولی ۱۸ سال نیستند اگر مرتکب خلاف تعزیری شوند، با ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مورد خلاف آن‌ها حکم داده می‌شود. در این ماده عنوان شده است که خلافکاران با این رده سنی با توجه به نوع جرم محکوم می‌شوند از نظر اسناد بین‌المللی، که مهم‌ترین آن‌ها کنوانسیون حقوق کودک است، سن کودک کمتر از هجده سال

است.^۱ ولی از لحاظ قوانین داخلی ایران بیشترین سنی که می شود یک فرد را کودک حساب کرد پانزده سال تمام قمری است که آن هم فقط در مورد اطفال ذکر شده است. مقررات تعیین شده ای در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در مورد این سنین (۱۵ تا ۱۸ سال) مطرح نشده بود و برای خلاف های این افراد مسئولیت کیفری کامل حکم داده می شد. ولی قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تضمین اجراهای تعیین شده ای را درباره این گروه سنی مطرح کرد و آن ها را از بزرگ سالان (افراد با سن بالای ۱۸ سال) به صورت متفاوت آورده است. اگرچه قانونگذار سن مسئولیت کیفری را در این قانون بیشتر نکرده، با عنوان کردن مسئله نظام تربیتی، دامن حمایت های اصلاحی و تربیتی را در مسوولیت کیفری بیشتر کرده و با دقت در روش برابری مجازات های تعزیری برای افراد میان سنین ۱۵ تا ۱۸ سال بر اساس ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این مطلب بهتر نشان داده می شود. مثلاً می تهر تکب می شود وان گفت در مسئله بند «الف» ماده ۸۹ آورده شده است که کمترین حکم این قانون برای حبس تعزیری درجه ۳ ده سال است و بالاترین میزان حکم تعزیری درجه ۱ نیز حبس ابد است.

تعیین جرایم حدی و قصاص

فقه های امامیه مطرح کردند فردی که به سن بلوغ رسیده باید او را بالغ دانست و مسئولیت کیفری کامل دارد (مهرپور، ۱۳۹۲: ۱۴۶) و در صورتی که مرتکب خلاف شود نیز حکم مجازات وی مانند افراد بزرگ سال باید داده شود. ولی قانونگذار با در نظر گرفتن این قواعد شرعی تا جایی که می شود بر اساس قواعد بین المللی حقوق کودک را در این مورد نیز مطرح کرده است. بزه هایی که سبب حد و قصاص می شوند و توسط اشخاص کمتر از هیجده سال مرتکب می شوند در تبصره ۲ ماده ۸۸ و ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ آمده است که در ادامه مورد اشاره قرار گرفته است.

۱. ارتکاب جرایم مستوجب حد و قصاص توسط نابالغ کمتر از ۱۲ سال باعث اعمال یکی از اقدامات عنوان شده در ماده ۸۸

قانون مجازات اسلامی با توجه به بند «الف» تا «پ» می شود (تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی):

الف) سپردن خلافکار به خانواده آن یا سپردن آن به سرپرست قانونی اما با گرفتن تعهد به تأدیب و مواظبت در حسن اخلاق؛

ب) سپردن به اشخاص حقیقی یا حقوقی در صورت عدم صلاحیت خانواده یا عدم دسترسی داشتن به آن ها؛

پ) نصیحت کردن توسط قاضی دادگاه.

۳- ارتکاب جرایم مسبب حد و قصاص بوسیله افراد زیر ۱۵ سال (تبصره ۲ ماده ۸۸):

ت) اخطار با تذکر دادن و یا گرفتن تعهد کتبی برای عدم تکرار کردن جرم؛

ث) نگهداری کردن در کانون اصلاح و تربیت برای ۳ ماه تا ۱ سال.

۳. ارتکاب جرایم مسبب حد و یا قصاص به وسیله افراد بالغ زیر ۱۸ سال وقتی که مرتکب نمی تواند خلاف انجام شده را

بفهمد و یا در رشد و کمال عقل آن ها شک وجود داشته باشد، بر اساس سن آن ها با توجه به فصل ۱۰ مواد ۸۸ تا ۹۵

قانون مجازات اسلامی، مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان محکوم خواهند شد (ماده ۹۱ قانون

مجازات اسلامی):

در مورد تبصره ماده ۸۸ نکته هایی قابل توجه است:

اول اینکه برعکس تعزیرات که درباره گروه سنی زیر ۹ سال انجام دادن هیچ نوع واکنشی در قانون آورده نشده است درباره

خلاف های مسبب حد و قصاص حداقل از لحاظ نظری این امکان هست که قاضی یکی از مطالب در بندهای «الف» تا «پ» در

ماده ۸۸ را درباره آن ها مطرح کند. این برداشت با توجه به تبصره ۲ ماده ۸۸ است. توضیح اینکه صدر این تبصره عنوان کرده که

نابالغ مرتکب خلاف حدی یا مسبب قصاص اگر بین ۱۲ تا ۱۵ سال است باید به نظرات آورده شده در بندهای «ت» و «ث» حکم

داده شود بنابراین، کودکی که ۹ سال ندارد اگر مرتکب جرایم تعزیری شود صرفاً طرف نظر دستگاه کیفری نیست

دوم اینکه قسمت مهم این تبصره فقط درباره «پسران» است. چون موضوع آن نابالغی است که میان ۱۲ تا ۱۵ سال سن

۱. ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک: «از نظر این کنوانسیون منظور از کودک افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال هستند مگر اینکه طبق قانون اجرا در مورد کودک سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود».

دارد بنابراین تفاوتی میان دختران و پسران تفاوت قایل شده است. دختری که بیشتر از ۹ سال دارد اگر خلافی انجام دهد که مسبب حد یا قصاص شود، حسب مورد، به حد یا قصاص محکوم می‌شود. ولی برای پسر تا وقتی که سن ۱۵ سال تمام قمری نداشته باشد به جای حد یا قصاص به یکی از تدابیر و نظرات مراقبتی و تنبیهی عنوان شده در ماده ۸۸ حکم داده می‌شود. درباره ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ باید مطرح کرد این ماده (ماده ۹۱) تغییری جدی در واکنش کیفری در مورد نوجوانان مرتکب جرایم مسبب حد یا قصاص آورده است. این ماده سه شرط را برای عوامل کنار گذاشته شدن حکم حد یا حکم قصاص عنوان کرده و مطرح کرده که سه شرط شامل «عدم درک کردن ماهیت جرم ارتكابی به وسیله مرتکب‌شونده»، «عدم درک کردن حرمت جرم ارتكابی به وسیله مرتکب‌شونده»، «شبهه داشتن در مورد رشد یا کمال عقل مرتکب‌شونده» است.

بنابراین دختر یا پسر زیر سن ۱۸ سال که مرتکب جرم مسبب حکم حد یا حکم قصاص شود و یکی از سه شرایط را داشته باشد «بر اساس سن وی» به حکم‌های آورده شده در این فصل محکوم می‌شود. درباره حکم باید این ماده را در نظر گرفت (صوری‌پور، ۱۳۹۲: ۱۸۸). اولاً آیا مصالحی که سبب کنار گذاشته شدن مجازات حدی یا قصاص شدند در این مورد اعتبار ندارند که بتوانند سبب کنار گذاشته شدن مجازات تعزیری نیز بشوند؟ مثلاً اگر فردی کمتر از ۱۸ سال دارد این مورد منطقی است که وی را به حکم تعزیر محکوم کرد. از طرف دیگر مگر مجازات جرم وی فقط حد نبوده است و حال به علت داشتن شک ساقط است. این نوع جایگزینی مجازات با صدور حکم تعزیر از چه منطقی استفاده کرده است؟ آیا می‌شود کسی که درباره رشد عقل آن شک وجود دارد برای آن حکم تعزیر داده شود؟ دوم نوع حکم دادن در ماده ۹۱ با شک است. قانون‌گذار، بعد از بیان کنار گذاشته شدن حکم حد یا حکم قصاص، این حکم کلی را کافی مطرح کرده است که با در نظر گرفتن سن خلافکار حکم‌های آورده شده در این فصل، یعنی فصل ۱۰ از بخش ۲ کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، برای آن اجرا می‌شود. ولی این حکم‌ها که قانون‌گذار مسئله را به آن‌ها ربط داده است کدام مسائل است؟ منظور قانون‌گذار حکم‌های ذکر شده در ماده ۸۸ است یا تبصره ۲ آن یا ماده ۸۹؟ می‌توان گفت چون قانون‌گذار با تصریح به این در تعیین کردن مجازات برای خلافکار باید «سن» وی را در نظر بگیرد شک‌ها در این مورد را بیشتر کرده است. در این فصل سه گروه از واکنش‌ها در مورد اطفال مرتکب‌شونده جرم مطرح شده است.

اول) اطفال میان سنین ۹ تا ۱۲ سال مرتکب جرایم تعزیری که با واکنش‌های مذکور در بندهای «الف» تا «پ» در ماده ۸۸ محاکمه می‌شوند.

دوم) اطفال میان سنین ۱۲ تا ۱۵ ساله که خلاف تعزیری یا مسبب حد یا قصاص انجام دادند با حکم‌های آورده شده در بندهای «ت» و «ث» ماده ۸۸ انجام می‌شود. سوم اطفال میان سنین ۱۵ تا ۱۸ سال که خلاف تعزیری انجام دادند که با مجازات‌های ذکر شده در ماده ۸۹ محاکمه می‌شوند و این نوع مجازات‌ها نیز بر اساس درجه جرمی که مرتکب شده گروه‌بندی شدند. این باره دو مسئله آورده شده. اول اینکه بر اساس اینکه مرتکب‌شونده خلاف حدی یا مسبب قصاص (که به علت‌های ذکر شده در بالا حد یا قصاص در مورد وی حکم نمی‌شود) شناس چقدر است اگر خلافکار با ۹ تا ۱۲ سال خلافی مرتکب شود بندهای «الف» تا «پ» در ماده ۸۸ برای او اجرا می‌شود و اگر خلافکار با ۱۲ تا ۱۵ سال مرتکب خلاف شود بندهای «ت» یا بند «ث» در ماده ۸۸ برای او اجرا می‌شود و اگر خلافکار با ۱۵ تا ۱۸ سال مرتکب خلاف شود ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی درباره مسئله وی حکم می‌شود. قانون‌گذار درباره موضوع ماده ۹۱ تأکید کرده در مورد اینکه حکم داده شده باید با «سن» خلافکار هم‌خوانی داشته باشد. اشکالی که می‌توان از این حکم عنوان کرد این است که قانون‌گذار در ماده ۹۱ موضوع «مجازات» خلافکاران را آورده است. ولی همین قانون‌گذار آگاهانه از به کار بردن عنوان «مجازات» درباره نظرات ذکر شده در ماده ۸۸ امتناع کرده و عنوان «تصمیمات» را برای آن‌ها استفاده کرده است. به عبارتی از نظر قانون‌گذار حکم‌های ذکر شده که در ماده ۸۸ مجازات آورده شده استفاده نمی‌شود و بنابراین مرجوع کردن به «مجازات‌های ذکر شده در اینجا» در ماده ۹۱ را نمی‌شود در مورد آن‌ها در نظر گرفت. قانون‌گذار باید در موضوع ماده ۸۹ عنوان «مجازات» به کار ببرد و بنابراین می‌شود مطرح کرد که ارجاع دادن وی به مجازات درباره موضوع ماده ۹۱ نیز در مورد واکنش‌های ذکر شده در ماده ۸۹ است. این عنوان با در نظر گرفتن مسائل حقوقی نیز درست‌تر است. چون تناسب بین حکم‌ها را حفظ می‌کند. در یک درجه‌بندی کلی در بیشترین درجه از شدت حکم‌های حد و حکم‌های قصاص هستند. پس از آن‌ها حکم‌های تعزیرات هستند. و در درجه‌ای کمتر از این‌ها موارد تأدیبی و

اصلاحی اطفال و نوجوانان هستند. بنابراین نظر مقنن این است که نوجوانی برای او حد یا قصاص در نظر گرفته نمی شود تخفیف مجازات با حکم تعزیری برای او در نظر می گیرند ولی این منظور نیز مشکل را حل نمی کند و شکی که قانون گذار در ماده ۹۱ به وجود آورده است را حل نمی کند. چون اولاً در ماده ۹۱ آورده شده است که خلافکار با توجه به سن وی یکی از حکم های این فصل برای آن اجرا می شود. ثانیاً در ماده ۸۹ حکم های زیادی بر اساس نوع خلاف آورده شده است (نگهداری کردن خلافکار در قانون اصلاح و تربیت، پرداخت کردن حکم نقدی، و حکم انجام خدمات عمومی). تعیین نشده که اگر قاضی بخواهد خلافکار حکم تعزیرات ذکر شده در ماده ۸۹ را بدهد کدام حکم تعزیر را باید در نظر بگیرد. آزادی عمل مطلق برای حکم دارد؟ جواب مثبت به این سؤال راه حل نیست. چون مسائل بسیاری در رویه حکم قضایی ایجاد می شود. از طرف دیگر چگونه می شود پذیرفت که قانون گذار در حکم تعزیرات به مواردی که پیش تر مطرح شد نوع حکم کیفری درباره اطفال را تعیین کرده باشد ولی در حکم حدود و حکم قصاص این آزادی را به قاضی برای حکم داده باشد؟ این مسائل ابهاماتی دارد که در مورد ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی است و قانون گذار بدون توجه به آن ها حکم ماده ۹۱ را داده است. تأیید کردن توسط قانون گذار برای توجیه کردن کنار گذاشته شدن حکم حد یا حکم قصاص در مورد این ماده سبب شده است که به حکم هایی که جایگزین حکم حد یا حکم قصاص می شود زیاد توجه نکند و نتواند مورد صحیحی برای این مسئله جایگزین مطرح کند.

ارتباط رشد کیفری با کمال العقل

مشمول در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ افراد زیر ۱۸ سالی هستند که خلاف انجام دادند و آن را درک نمی کنند و در مورد میزان رشد و عقل آنان شبهه وجود داشته باشد. در عبارت آخر این ماده، از واژه های رشد و کمال عقل استفاده شده که به جست و جوی کمال العقل و ارتباط آن با رشد کیفری است. شاید بشود بیان کرد این ماده به رشد کیفری مشهور است. با در نظر گرفتن اینکه نظام حقوقی ایران طبق فقه امامیه بنیان نهاده شده، معنا و مفهوم این واژگان را می توان در مطالب فقهی بررسی کرد. در شرایطی، فقهای امامیه عبارت «کمال العقل» را به کار بردند که هدف آنان شرط انجام دادن حکم قصاص، حکم اخراج صغیر، و حکم مجنون است. منظور از عنوان کمال العقل رسیدن به سن بلوغ و عدم جنون است. در مسائلی که توسط فقهای امامیه مطرح شدند کمال عقل ارتباط معناداری با مسئله رشد ندارد و نمی شود رشد کیفری را به معنای کمال العقل به کار برد. اما در بعضی از مطالب فقهی عبارت «کمال عقل» به معنی بلوغ عقل سالم و عدم سقه استفاده شده است. این عبارت مطرح می کند که افراد سفیه و ابله در کنار مجنون و صغیر هستند که بر اساس نظرات آنان خلافکار باید به این حکم محکوم شود که سفاکت با اینکه به معنای جنون نیست بر اساس قیاس منصوص علیه، حداقل، در حکم جنون است. (هاشمی، ۱۳۹۸: ۲۴۰).

شهید ثانی در مورد شرایط شاهد در دعاوی شخص «اَبْلَه» را منع از شهادت آورده و او را از مصادیق بارز «سفیه» آورده است. ولی شهادت در شرایط دعاوی الزاماً با مسائل مالی مرتبط نیست.^۱ همچنین شیخ طوسی در باب وجوب صوم شخص «اَبْلَه» را فاقد تکلیف عنوان کرده است. ایشان بیان کرده شخص احمق نمی تواند مجنون حساب شود. پس باید آن را در مرتبه سفاکت دانست.^۲

در این موارد، اصطلاح «کمال العقل» به وسیله برخی از فقها، به معنی رشد فکری، یکی از نشانه های بلوغ در مورد سایر نشانه ها استفاده شده است. همچنین با اینکه این موارد امور مالی نیستند اطلاق دادن آن به شرایط رشد کیفری قابل تأمل است.

مجازات کودکان بزه کار در قانون مجازات ۱۳۹۲

بر اساس حاکمیت قواعد شرعی در حیطه قوانین و تابع بودن قانون گذار ایرانی از نظر فقهای شیعه برای تصویب قوانین، عنوان کردن سن خاصی در مورد مسئله سن بلوغ شرعی تعیین کردن سن مسئولیت کیفری در مورد اطفال خلافکار است. همچنین رفتن ایران به برخی کنوانسیون ها و میثاق های مختلف بین المللی (با شرایطی) و لزوم عدم تفاوت قوانین داخلی با مقررات مندرج در این کنوانسیون ها سبب مسائلی در این مورد شد که قانون گذار این مورد را تغییر داد.

۱. الفانی کمال العقل فلا تقبل شهادة المجنون و کذا من يعرض له السهو غالباً... و کذا المغفل الذی فی جبلته البله فریما استغلط لعدم تفتنه و هووهم.
 ۲. و من شرط وجوبه کمال العقل و الطاقه و البلوغ... و اما کمال العقل فانه شرط فی وجوبه علیه لأن من لیس كذلك لایکون مکلفاً من المجانین و ابله.

جمهوری اسلامی ایران با مطرح کردن شرایطی در سال ۱۳۷۲ به کنوانسیون حقوق کودک پیوست و با عنوان «قانون اجازه ملحق شدن دولت جمهوری اسلامی ایران در کنوانسیون حقوق کودک» در تاریخ ۱ اسفند ۱۳۷۲ در مجلس شورای اسلامی تأیید شد.

در شرایط معاهده حقوق کودک کنوانسیون، سن طفل زیر ۱۸ سال مطرح شده. ولی تعیین کردن سن مسئولیت کیفری با توجه به حقوق داخلی کشورها آورده شده است.

اما شرایطی که در این کنوانسیون‌ها در مورد تعیین سن کیفری آورده شده بر اساس معیارهای مناسب ملی و با توجه به منافع اطفال هستند. بنابراین مفهوم سن مسئولیت کیفری برای نوجوانان در قوانین نباید در سطح بسیار کم عنوان شود و شرایط درباره بلوغ عاطفی، بلوغ ذهنی، و بلوغ عقلی باید توسط قانون‌گذار برای حکم در نظر گرفته شود.

همچنین سن طفل در ماده ۱ در معاهده کنوانسیون حقوق کودک به صورت کلی مطرح شده و میان شرایط حکم دادن در مسائل حقوقی و مسائل کیفری اطفال خلافاً تفاوتی در نظر گرفته نشده است.

مسئله تعیین کردن سن مسئولیت کیفری اطفال پس از انقلاب زیر ۱۸ سال تعیین شد که در آن مطرح شد باید قوه تمیز خلافاً سبب حکم دادن حدود و قصاص در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۹۲ شود.

در ماده ۹۱ فصل ۱۰ در قانون جدید، موضوع «مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان» در مورد حکم دادن خلافاً قصاص و حد توضیح داده شده است.

در مورد کودکانی که خلاف تعزیری را در ۹ تا ۱۵ سال شمسی انجام دادند این قانون می‌تواند سرپرستی آنان را به خانواده با گرفتن تعهد از آنان بدهد یا خلافاً را به طرف پزشک و مددکار اجتماعی واگذار کند و یا آنان را برای اصلاح شدن به مؤسسه‌ای فرهنگی و آموزشی برای انجام دادن حرفه‌آموزی بدهد.

تغییر مهم در مورد این قانون که می‌شود مطرح کرد این است که خلافاً کارانی که بالغ شرعی‌اند ولی ۱۸ سال ندارند اگر در مورد کمال عقل و رشد آنان شک باشد حکم حدود و قصاص در مورد آنان انجام نمی‌شود.

بر اساس داشتن شک، با توجه به در نظر گرفتن قاعده در حکم حدود و حکم قصاص انجام نمی‌شود.

با توجه به در نظر گرفتن این قانون، حکم برای خلافاً‌های تعزیری افراد زیر ۱۸ سال با افراد بالای ۱۸ سال یکی نیست. درباره کودکان زیر ۱۸ سال حکم به زندان برای آنان داده نمی‌شود. اما برای تربیت شدن به مراکز تربیتی می‌روند و اگر خانواده برای نگهداری کردن صلاحیت نداشته باشند، اطفال برای اصلاح شدن به شخص حقوقی صالحی سپرده می‌شوند.

همچنین قانون‌گذار در ماده ۹۳ این قانون تغییراتی آورده که حکم قاضی را برای تعویق کردن خلافاً‌های تعزیری نوجوانان آزاد کرده است. مطرح کرده: «دادگاه می‌تواند در خلافاً‌های تعزیری ارتكابی نوجوانان حکم را با تأخیر صادر کند یا اجرای حکم را معلق کند».

نتیجه

با اینکه در کلام فقهای پیشین سن بلوغ شرعی سن مسئولیت کیفری محسوب می‌شود با بررسی بیشتر آیات قرآن کریم و فتوای فقهای معاصر متوجه می‌شویم سن رشد و مسئولیت کیفری متفاوت از بلوغ شرعی است. ولی به دلیل اینکه بیشتر این دو مورد هم‌زمان با هم حادث می‌شدند سن بلوغ شرعی اماره‌ای بر مسئولیت کیفری است با اینکه امروزه سن بلوغ شرعی نمی‌تواند مبنایی برای مسئولیت کیفری باشد. بنابراین قانون‌گذار در قانون جدید شرط رشد و کمال عقل را پیش‌بینی کرده که امری فرعی بر قاعده در آن است. شبهه موجود در این مورد شبهه در رشد و کمال عقل نیست. در مورد شبهه رشد و کمال عقل فرد از ماهیت فعل بی‌خبر است یا در مورد درک کردن حرمت و قبح اجتماعی آن یا اینکه در صورت ارتکاب جرم چه پیامد و نتایج اجتماعی برای او به دنبال دارد ناتوان است. اما این شبهه مختص افراد بالغ زیر ۱۸ سال می‌شود. همچنین قانون‌گذار اصل را بر نبود رشد و کمال عقل گذاشته است. بنابراین چنانچه قضات با مرتکبین جرایم حدی و قصاصی به وسیله این افراد مواجه شوند باید رشد و کمال عقل را برای اعمال مجازات این موارد احراز کنند. به هر طور قانون‌گذار در تعیین مجازات اطفال و نوجوانان دچار دوگانگی شده و بنابراین دو نظام مختلف در جرایم تعزیری و در مورد جرایم حدی و قصاصی پیش‌بینی شده است. در تعزیرات با توجه به

اینکه اطفال و نوجوانان ۹ تا ۱۸ سال تمام شمسی بدون رشد و کمال عقل در نظر گرفته شدند بنابراین مسئولیت کیفری تدریجی برای آنان آورده شده است. ولی در جرایم حدی و قصاصی افراد بالغ با احراز شدن رشد و کمال عقل به وسیله قاضی در حیطة مجازات حدی و قصاصی قرار می‌گیرند. در غیر این صورت به مجازات جایگزین محکوم می‌شوند. بنابراین اگر طفل یا نوجوان با کمتر از ۹ سال تمام شمسی مرتکب جرم شوند مجازات نمی‌شوند. اما دخترانی که ۹ سال تمام قمری دارند در یکی از اقدامات بند «الف» تا «پ» ماده ۸۸ ق.م.ا. بر آنان اعمال خواهد شد. در صورتی که طفل یا نوجوان در هنگام ارتکاب جرم ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی داشته باشد اگر مرتکب‌شونده پسر باشد که ۱۲ تا ۱۵ سال تمام قمری داشته باشد یکی از اقدامات بند «ت» یا «ث» ماده ۸۸ ق.م.ا. در مورد آنان اعمال می‌شود و از ۹ سال تمام شمسی تا ۱۲ سال تمام قمری یکی از اقدامات بندهای «الف» تا «پ» این ماده برای آنان اجرا می‌شود. در مورد پسران بالغ و دختران بالغ ۱۲ سال تمام قمری تا ۱۵ سال تمام شمسی می‌شود بیان کرد در صورت عدم احراز رشد و کمال عقل به یکی از اقدامات بند «ت» و «ث» محکوم خواهند شد. همچنین درباره دختران بالغ تا سن دوازده سال تمام قمری در صورت عدم احراز رشد و کمال عقل یکی از اقدامات بند «الف» تا «پ» در حق آنان اعمال می‌شود. همچنین درباره نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی تنها در صورت عدم احراز رشد و کمال عقل به یکی از مجازات‌های مقرر در ماده ۸۹ ق.م.ا. محکوم می‌شوند؛ وگرنه حکم مجازات حدی و قصاصی صادر می‌شود. همچنین لازم است به شرایط ویژه جرایم درباره اعمال مجازات توجه شود؛ مانند رضایت داشتن بزه‌دیده در تخلفات حق الناسی. علاوه بر این احراز یا عدم احراز رشد و کمال عقل تأثیری در پرداخت دیه به وسیله مرتکب ندارد.

با توجه به مواردی که در این پژوهش بیان شد پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با اصلاح ماده ۹۱ ق.م.ا. شرط رشد و کمال عقل را نبود درک ماهیت، فعل، حرمت، و قبح اجتماعی آن و ناتوانی در پیش‌بینی صحیح نتایج در اثر فعل مجرمانه تعریف کند و مبنای را بر نبود آن قرار دهد. همچنین در مورد مجازات با تعیین سن قمری یا شمسی درباره تمام تخلفات و مسئولیت کیفری برای دختران بالغ کمتر از ۹ سال تمام شمسی و مجازات جایگزین مناسب با هر نوع از جرایم حدی و قصاصی مانند آنچه با توجه به درجه‌بندی تعزیرات پیش‌بینی کرده موجبات ایجاد قانونی کامل و مناسب را فراهم کند.

ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش تلاش شد با ذکر منابع و رعایت آیین نگارش و بر اساس دستورالعمل‌های مجله از مطالب دیگر نویسندگان با ذکر منبع استفاده شود.

تعارض منافع

این مقاله در نشریه‌ای دیگر و با عنوانی متفاوت ارائه نشده است.

سهم نویسندگان

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه‌ای با عنوان «چالش‌های معیار تشخیص سن رشد کیفری از منظر فقه و نظام حقوقی ایران و مصر» است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی توسط فائزه جعفریان و با راهنمایی آقای دکتر علی بهرانی‌نژاد و مشاوره آقای دکتر علی‌رضا محمدیکی انجام شده است.

منابع

قرآن کریم

- احدی، حسن و شکوه السادات، بنی جمالی (۱۳۹۰). *روان‌شناسی رشد*. قم: بخشایش.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۶). *حقوق جزای عمومی* ۱. چ ۱۸. تهران: میزان.
- اصغری، محمد (۱۳۸۴). بنا عقلا. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی* (دانشگاه تهران)، ش ۷۰، ۹.
- انصاری، علی (۱۳۹۰). نظریه قابلیت انتساب در حقوق مدنی فرانسه. *پژوهش حقوق تطبیقی*، د ۱۵، ش ۱.
- پاک‌نهاد، امیر (۱۳۸۵). رویکرد نوین حقوق انگلستان به بزه‌کاری اطفال. *الهیات و حقوق*، ش ۱۹.
- الثعابی، ابی‌منصور (۱۴۱۳ ق). *فقه اللغة*. دارالکتاب العلمیه. قم.
- جناتی، محمدابراهیم (۱۳۸۶). جایگاه قیاس در منابع اجتهاد. *کیهان/اندیشه*، ش ۲۶.
- رزاقی‌آذر، مریم و همکاران (۱۳۸۵). سن بلوغ در دختران و پسران تهرانی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی ایران*، ش ۵۰.
- رهامی، محسن (۱۳۸۱). *رشد جزایی*. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۵۸، ۱۹۱ - ۱۹۲.
- روحانی، حسن و مهرپور، حسین (۱۳۹۱). *سن/اهلیت و مسئولیت قانونی*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- زراعت، عباس (۱۴۲۷ ق). *حقوق جزای عمومی*. تهران: ققنوس. ج ۱.
- سوادکوهی‌فر، سام و کاظمی، سید علی (۱۳۸۸). *مسئولیت کیفری تدریجی دختران*. *مطالعات راهبردی زنان*، س ۱۲، ش ۴۵.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۲ ق). *مسالك الافهام*. مؤسسه المعارف الإسلامیه. ج ۵.
- الطوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن (۱۴۱۶ ق). *الاستبصار*. قم: کتابخانه مرکز فقهت. ج ۴.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ ق). *تحریر الاحکام*. مؤسسه امام صادق (ع). ج ۲.
- _____ (۱۴۳۷ ق). *قواعد الاحکام*. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین. ج ۲.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ ق). *کشف اللثام*. مؤسسه نشر اسلامی تابع جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ج ۲.
- فرخ‌نیا، رحیم (۱۳۸۳). بررسی فرایند بلوغ در دختران شهر اراک از دیدگاه انسان‌شناسی. *نامه انسان‌شناسی*، د ۱، ش ۵.
- فیض، علی‌رضا (۱۳۸۶). *مقارنه و تطبیق در حقوق عمومی اسلام*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). *مسئولیت مدنی*. چ ۱۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ج ۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۵). *الاصول من الکافی*. دار الثقلین. ج ۱.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۰). *حقوق جزای عمومی ایران*. چ ۱۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ج ۱.
- لنکرانی، محمدفاضل (۱۴۱۲ ق). *تفصیل الشرعیه (کتاب الحرج)*. مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۵۶). *ترمیمولوژی حقوقی*. شماره ۵۱۱۱۴. تهران: ابن‌سینا.
- محقق حلی (۱۴۰۷ ق). *شرايع الاسلام*. چاپ مؤسسه اسماعیلیان. ج ۲.
- محمدیکی، علی‌رضا، اسدی، حبیبی و الهویی، نوید (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲. *مطالعات میان‌رشته‌ای فقه*، ش ۸.
- محمدی، قاسم (۱۳۸۳). *رشد عقلانی و حقوق جنایی*. *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق*، ش ۲۴.
- مرعشی، سید محمدحسن (۱۳۷۱). *سن بلوغ*. مرکز تحقیقات علوم اسلامی.
- _____ (۱۳۷۹). *نظارت فقهی و حقوقی در خصوص بلوغ و رشد*. *دادرسی*، س ۴، ش ۲۱.
- مرعشی، سید محمدحسن (۱۳۸۶). *بزه‌کاری اطفال در حقوق ایران*. دادگستری.
- مظفر، محمدرضا (۱۴۱۱ ق). *اصول الفقه*. مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. ج ۲.
- مقداد، فاضل (۱۴۳۳ ق). *کنز العرفان فی القرآن*. مترجم: عباس زراعت. کاشان: قانون‌مدار. ج ۲.
- مقدس اردبیلی (۱۴۰۲ ق). *مجمع الفائده و البرهان*. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ج ۹.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۸). *مقایسه حقوق کیفری ایران و فرانسه با کنوانسیون حقوق کودک*. س ۳، ش ۳.
- نجفی‌توانا، علی (۱۳۸۴). *سن مسئولیت کیفری اطفال در مقررات حقوق داخلی و بین‌المللی*. *علوم/اجتماعی*.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۰ ق). *جواهر کلام فی شرح شرايع الاسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی. ج ۲۱ و ۳۲.
- نجیب حسینی، محمود (۱۳۹۴ ق). *شرح قانون العقوبات*. بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه. ج ۱.

- نعمی، لیلا (۱۳۸۲). مسئولیت کیفری اطفال از دیدگاه مکاتب مختلف. *ندای صادق*، س ۸، ش ۳۲.
- نوربها، رضا (۱۳۷۸). *زمینه حقوق جزای عمومی*. ج ۱۱. تهران: دادآفرین.
- هاشمی، سید حسین (۱۳۸۳). دختران سن رشد و مسئولیت کیفری. *کتاب زنان*، س ۶، ش ۱ و ۲۳.

References

The Holy Quran

- Ahadi, H. & Bani-Jamali, S. (2011). *Psychology of Development*. Qom: Bakhshaysh Publishing House. (in Persian)
- Allamah Helli, H. b. Y. (1999). *Tahrir al-Ahkam*. Qom: Imam Sadiq (AS) Institute. Vol. 2. (in Arabic)
- Al-Thaaabi, A.M. (1992). *Jurisprudence of Language*. Qom: Dar al-Kitab al-Ilmiyah. (in Arabic)
- Al-Tusi, A. J. M. b. A. (1995). *Al-Istibsar*. Qom: Jurisprudence Center Library. Vol. 4. (in Arabic)
- Ansari, A. (2011). The Theory of Attribution in French Civil Law. *Comparative Law Research*, Vol. 15, No. 1.
- Ardebili, M. A. (2007). *General Criminal Law 1*. 18th Edition. Tehran: Mizan Publishing House. (in Persian)
- Asghari, M. (2005). Bana Aqla. *Journal of the Faculty of Law and Political Science (University of Tehran)*, No. 70, p. 9.
- Fadel Hindi, M. b. H. (1996). *Kashf al-Latsham*. Qom: Islamic Publishing Institute affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. Vol. 2. (in Arabic)
- Farakhnia, R. (2004). Study of the Puberty Process in Girls of Arak City from an Anthropological Perspective. *Journal of Anthropology*, Vol. 1, Issue 5.
- Fayez, A. R. (2007). *Comparison and Adaptation in General Islamic Law*. Tehran: Printing and Publishing Organization. (in Arabic)
- Golduzian, I. (2011). *General Criminal Law of Iran*. 12th Edition. Tehran: Tehran University Press. Vol. 1. (in Persian)
- Hashemi, S. H. (2004). Girls of Puberty and Criminal Responsibility. *Women's Book*, Year 6, No. 1 & 23.
- Jannati, M. E. (2007). The Position of Comparison in the Sources of Ijtihad. *Kayhan Andisheh Magazine*, No. 26.
- Katouzian, N. (2011). *Civil Liability*. 11th Edition. Tehran: Tehran University Press. Vol. 1. (in Persian)
- Kulaini, M. b. Y. (2014). *Al-Asul min al-Kafi*. Tehran: Dar al-Thaqlain Publishing. Vol. 1. (in Persian)
- Langrudi, M. J. (1977). *Legal Terminology*. Tehran: Ibn Sina Publications.
- Lankarani, M. F. (1991). *Ta'dasht al-Shari'ah (Book of Al-Hijr)*. Oruj: Oruj Publishing Institute. (in Arabic)
- Marashi, S. M. H. (2000). Jurisprudential and Legal Supervision Regarding Puberty and Growth. *Monthly Court Journal*, Year 4, No. 21.
- Marashi, S. M. H. (2007). Juvenile Delinquency in Iranian Law. *Journal of Justice Law*.
- (2008). Puberty Age. *Islamic Sciences Research Center*.
- Miqdad, F. (2011). *Kanz al-Irfan fi al-Qur'an*. Kashan: Qanun-Madar Publications. Vol. 2.
- Moghaddas Ardebili (1981). *Majma' al-Fayda wal-Burhan*. Qom: Jamia al-Modaresin. Vol. 9.
- Mohammad Beiki, A., Asadi, H., & El-Havi, N. (2002). Comparative Study of Criminal Responsibility of Children and Adolescents in the Islamic Penal Code Approved in 1375 and 1392. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies of Jurisprudence*, Issue 8.
- Mohammadi, Q. (2004). Intellectual Development and Criminal Law. *Quarterly Journal of Imam Sadeq University Research*, Issue 24.
- Mohaqqiq Hilli, (1986). *Saray' al-Islam*. Qom: Ismaili Institute Publishing. Vol. 2.
- Mousavi Bojnourdi, S. M. (2009). Comparison of Iranian and French Criminal Laws with the Convention on the Rights of the Child. Year 3, No. 3.
- Mozaffar, M. R. (1990). *Usul al-Fiqh*. Qom: Islamic Propagation Office Publishing Center. Vol. 2.
- Naimi, L. (2003). Criminal Responsibility of Children from the Perspective of Different Schools. *Nedaye Sadeq*, Year 8, No. 32.
- Najafi Tavana, A. (2005). Age of Criminal Responsibility of Children in Domestic and International Law Regulations. *Quarterly Journal of Social Sciences*.
- Najafi, M. A. (1979). *Jawaher al-Kalam fi Sharh Sharay' al-Islam*. Beirut: Dar Ihya al-Turat al-Arab. Vol. 21 & 32.
- Najib Hosseini, M. (194 AH). *Sharh al-Kun al-Kun al-Kun al-Kun al-Halabi al-Huqoqiya*. Beirut: Manshurat al-Halabi al-Huqoqiya. Vol. 1.
- Noorbaha, R. (1999). *The Field of General Criminal Law*. 11th Edition. Tehran: Dad-Afarin Publications.
- Pak-Nahad, A. (2006). A New Approach of English Law to Juvenile Delinquency. *Specialized Journal of Theology and Law*, No. 19.
- Rahami, M. (2002). Criminal Development. *Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran*, No. 58, p. 191-192.

- Razzaghi-Azar, M. et al. (2006). Puberty in Tehrani Girls and Boys. *Journal of Iran University of Medical Sciences*, No. 50.
- Rouhani, H. & Mehrbour, H. (2012). *Age of Competence and Legal Responsibility*. First Edition. Tehran: Strategic Research Center. (in Persian)
- Savadkouhifar, S. & Kazemi, S. A. (2009). Gradual Criminal Responsibility of Girls. *Journal of Strategic Studies of Women*, Year 12, Issue 45.
- Shahid Thani, Z. D. b. A. (1991). *Masalak al-Afham*. Qom: Al-Ma'arif al-Islamiyyah Foundation. Vol. 5. (in Arabic)
- Ziraat, A. (2006). *General Criminal Law*. Tehran: Qognos Publishing House. Vol. 1. (in Arabic)